فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول:کلیات تحقیق

۱-۱)مقدمه ۱

۱-۲)بیان مسئله..... ۲

۱-۳)سوال تحقیق..... ۳

۱-۴)فرضیه تحقیق..... ۳

۱-۵)اهداف تحقیق..... ۳

۱-۶)ضرورت واهمیت تحقیق..... ۳

۱-۷)چارچوب نظری تحقیق..... ۴

۱-۸)روش تحقیق..... ۴

۱-۹) ادبیات تحقیق..... ۴

۱-۱۰)محدودیتهای تحقیق..... ۵

۱-۱۱)قلمروزمانی ومکانی تحقیق..... ۵

۱-۱۲)سازماندهی پژوهش..... ۶

۱-۱۳)مفاهیم و واژه هایتحقیق..... ۶

۱-۱۳-۱)تعریف سیاست..... ۶

۱-۱۳-۲)مفهوم سیاست خارجی..... ۶

۱-۱۳-۳)دیپلماسی..... ۶

-۱۳-۴)نظام بین الملل..... ۷

۱-۱۳-۵)امنیت ملی..... ۷

۱-۱۳-۶) جهان اسلام..... ۸

۱-۱۳-۷)سازمان..... ۹

۱-۱۳-۸)مراحل تشکیل سازمان..... ۹

۱-۱۳-۹)سازمان بین المللی..... ۹

فصل دوم:تاریخچه سازمان کنفرانس اسلامی(OIC)

مقدمه..... ۱۲

بخش اول..... ۱۲

۱-۱)چگونگی تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی..... ۱۲

۱-۲)پیدایش سازمان کنفرانس سلامی ۱۲

۱-۳)عواملی که سبب نضج گرفتن ایده سازمانی اسلامی شد..... ۱۲

۱-۳-۱)شکست مسلمانان در سال ۱۹۴۸میلادی در فلسطین و تاسیس دولت صهیونیستی..... ۱۲

۱-۳-۲)تاسیس کشور اسلامی پاکستان در بخش مسلمان نشین شبه قاره هند..... ۱۴

۱-۳-۳) جنگ شش روزه ۱۴

۱-۳-۳-۱)زمینه جنگ ۶ روزه..... ۱۴
۱-۳-۳-۲) واکنش نظامی محدود..... ۱۴
۱-۳-۳-۳)شروع جنگ..... ۱۵
۱-۳-۳-۴)پایان مقاومت اعراب..... ۱۵
۱-۳-۳-۵)نتیجه نبرد..... ۱۶
۱-۳-۴) آتش سوزی در مسجد الاقصی توسط صهیونیست ها..... ۱۶
۱-۳-۴-۱)تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی نتیجه آتش سوزی در مسجد الاقصی..... ۱۷
۱-۳-۴-۲) واکنش امام خمینی(ره)..... ۱۸
بخش دوم..... ۱۹
۲-۱)زمینه‌های فرهنگی، تاریخی..... ۱۹
۲-۲) تفرقه و پراکندگی در جوامع اسلامی..... ۱۹
۲-۳) مسأله غرب‌گرایی..... ۱۹
۲-۴) فاصله گرفتن ازتعالیم وحی..... ۲۰
۲-۵) وجود نظام‌های سیاسی فاسد..... ۲۰
۲-۶) جایگزینی شعارهای استعماری براصولگرائی..... ۲۰
بخش سوم..... ۲۱
۳-۱)زمینه‌های تاریخی ـ سیاسی..... ۲۱
۳-۲) نقش ایران درتاریخچه سازمان کنفرانس اسلامی..... ۲۲
۳-۳)نتیجه..... ۲۳

فصل سوم: مشخصات ساختاری سازمان کنفرانس اسلامی

مقدمه..... ۲۶
بخش اول..... ۲۶
۱-۱)ساختار سازمانی ۲۶
۱-۲)مبانی نظری سازمان و ساختار آن..... ۲۶
۱-۳)سازمان چیست..... ۲۶
۱-۴)حدود و عوامل مؤثر در ساختار سازمانی..... ۲۷
بخش دوم..... ۲۸
۲-۱)ساختارسازمان کنفرانس اسلامی..... ۲۸
۲-۲)عضویت در سازمان..... ۲۸
۲-۳)روند تکامل ساختار سازمان کنفرانس اسلامی..... ۲۹
۲-۳-۱)کنفرانس سران کشورهای اسلامی..... ۲۹
۲-۳-۲)کنفرانس وزرای خارجه..... ۳۰
۲-۳-۳)دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی..... ۳۰
۲-۳-۴) دادگاه بین‌المللی عدالت اسلامی..... ۳۰
۲-۳-۵)نهادهای وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی..... ۳۲
۲-۳-۵-۱) کمیته‌های تخصصی..... ۳۲
۲-۳-۵-۲) ارگانهای فرعی..... ۳۳
۲-۳-۵-۳) مؤسسات تخصصی..... ۳۴

۲-۳-۵-۴) نهادها و سازمان‌های درون سیستمی سازمان کنفرانس اسلامی..... ۳۵
۲-۳-۶)سازمان کنفرانس اسلامی (نهاد منطقه‌ای)..... ۳۵
۲ -۳-۷)جایگاه ایران درساختار سازمان کنفرانس اسلامی..... ۳۶
بخش سوم..... ۳۸
۳-۱)اهداف سازمان کنفرانس اسلامی..... ۳۸
۳-۲)انتظارها از سازمان کنفرانس اسلامی..... ۴۰
۳-۳)اهداف ایران درسازمان کنفرانس اسلامی..... ۴۱
۳-۴)نتیجه..... ۴۱

فصل چهارم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی وسازمان کنفرانس اسلامی

مقدمه..... ۴۴
بخش اول..... ۴۵
۱-۱) مفهوم سیاست خارجی..... ۴۵
۱-۲)تفاوت سیاست داخلی و خارجی..... ۴۶
۱-۲-۱) عنصر حاکمیت ۴۶
۱-۲-۲) موضوع سیاست داخلی و خارجی..... ۴۶
۱-۲-۳)عرصه ی سیاست داخلی و خارجی..... ۴۶
۱-۲-۴) ابزارهای اعمال سیاست داخلی و خارجی..... ۴۶
۱-۳)ابزارها و تکنیک های اجرای سیاست خارجی..... ۴۷
۱-۳-۱) دیپلماسی..... ۴۷
۱-۳-۲) اقتصادی..... ۴۷
۱-۳-۳) نظامی..... ۴۸
۱-۳-۴) تبلیغاتی – فرهنگی..... ۴۸
۱-۴)عوامل مؤثر بر سیاست خارجی..... ۴۸
۱-۴-۱) عامل جغرافیایی و استراتژیک..... ۴۸
۱-۴-۲) جمعیت..... ۴۸
۱-۴-۳)اقتصاد..... ۴۹
۱-۴-۴) عامل ایدئولوژیک..... ۴۹
۱-۴-۵)عوامل تاثیرگذاردرسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۴۹
بخش دوم..... ۵۰
۲-۱)فرایند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۵۰
۲-۱-۱)مرحله تثبیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۵۰
۲-۱-۲) - دوره برکناری کامل جناح میانه‌رو..... ۵۱
۲-۱-۳)سیاست مهار دوگانه جمهوری اسلامی ایران..... ۵۲
۲-۱-۴) دوره صلح مصلحت‌جویانه..... ۵۲
۲-۱-۴-۱) گفتمان اقتصاد محور ـ دولت رفاهی..... ۵۳
۲-۱-۴-۲) گفتمان فرهنگی سیاسی محور ـ دولت رفاهی..... ۵۳
۲-۱-۵) دوره صلح مردم سالارانه..... ۵۳
بخش سوم..... ۵۴

۳-۱)اصول ومبانی واهداف حاکم برسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۵۴
۳-۲)اصل نه شرقی، نه غربی..... ۵۴
۳-۳)مبنای سیاسی..... ۵۵
۳-۳-۱) اصل تدافعی و انفعالی عدم تعهد..... ۵۶
۳-۳-۲)روابط مسالمت آمیز با دول غیر محارب،دفاع از حقوق مستضعفین ،حمایت از نهضت های آزادیبخش..... ۵۶
۳-۳-۳)روابط صلح آمیز با دولت های غیر محارب..... ۵۷
۳-۳-۴)روابط صلح آمیز در قرآن و سنّت..... ۵۷
۳-۳-۵)روابط صلح آمیز در قانون اساسی..... ۵۸
۳-۴)مبنای اعتقادی..... ۵۹
۳-۴-۱)اصل توحید..... ۵۹
۳-۴-۲) اصل ولایت..... ۵۹
۳-۴-۳) قاعده نفی سبیل..... ۶۰
۳-۵)دفاع از حقوق مستضعفین..... ۶۱
۳-۶)حمایت از نهضت های آزادیبخش..... ۶۲
۳-۶)اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۶۴
۳-۷)مبانی اعتقادی، حقوقی و تاریخی ایده حکومت جهانی اسلام..... ۶۴
۳-۷-۱) مبانی اعتقادی ایده حکومت جهانی اسلام..... ۶۴
۳-۷-۲) مبانی حقوقی ایده حکومت جهانی اسلام..... ۶۵
۳-۷-۳) مبانی تاریخی ایده حکومت جهانی اسلام..... ۶۵
۳-۸) برقراری حکومت جهانی اسلام..... ۶۶
۳-۸-۱) حضور در صحنه ی نظام جهانی..... ۶۶
۳-۸-۲) توجه به اصل دعوت..... ۶۶
۳-۹)توسعه و تحکیم روابط بین المللی،وحدت بین مسلمین،حاکمیت موازین اسلام..... ۶۷
۳-۹-۱)روابط بین الملل در قانون اساسی و حقوق بین الملل اسلامی..... ۶۸
۳-۹-۱-۱) روابط بین الملل در آیینه قانون اساسی..... ۶۸
۳-۹-۱-۲) روابط بین الملل و حقوق بین الملل اسلامی..... ۶۸
۳-۹-۲)معیارهای برقراری و توسعه روابط جهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان..... ۶۹
۳-۹-۲-۱) طرفداران وجود معیارهای ثابت در اولویت بندی روابط کشورها..... ۶۹
۳-۹-۲-۲) منکران نظم ثابت در اولویت بندی جهت گیری روابط کشورها..... ۶۹
۳-۹-۲-۳)قایلان به عوامل ثابت و متغیّر..... ۷۰
۳-۹-۳)وحدت بین مسلمانان..... ۷۰
۳-۹-۴)حاکمیت موازین اسلام..... ۷۱
۳-۱۰)اهداف سیاست خارجی..... ۷۲
۳-۱۱)اهداف و راهبردهای تاریخی سیاست خارجی ایران..... ۷۳
۳-۱۲)سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی..... ۷۴
بخش چهارم..... ۷۶
۴-۱)سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی..... ۷۶
۴-۲)عوامل عمده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۷۷

۴-۳)دوره دولت موقت..... ۷۸
۴-۴)دوران دفاع مقدس..... ۸۰
۴-۵)دوران سازندگی..... ۸۲
۴-۶)سیاست فعال وتبیین مواضع اصولی در سازمان کنفرانس اسلامی (از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)..... ۸۴
۴-۶-۱)طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها..... ۸۵
۴-۶-۲)شعار عزت، گفت‌وگو، مشارکت..... ۸۶
۴-۷) دوران اصولگرایان..... ۸۷
نتیجه..... ۸۸

فصل پنجم: نقدی برعملکردسازمان کنفرانس اسلامی

مقدمه..... ۹۲
بخش اول..... ۹۳
۱-۱)عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی..... ۹۳
۱-۲)علل عدم تحقق موارد مندرج درمنشورهفت ماده ای سازمان کنفرانس اسلامی..... ۹۵
۱-۲-۱) عدم همگرایی کشور های عضو..... ۹۵
۱-۲-۲)عدم موفقیت دروحدت وتحیکم روابط کشور های اسلامی..... ۹۶
۱-۲-۳)نبود موضع واحد کشورهای اسلامی در مسایل سیاسی،اجتماعی..... ۹۶
بخش دوم..... ۹۷
۲-۱)علل ضعف وناکارآمدی سازمان سازمان کنفرانس اسلامی..... ۹۷
۲-۱-۱) وجود نظام های سیاسی ناهمگون..... ۹۸
۲-۱-۲) وابستگی سیاسی ؛ اقتصادی ونظامی به قدرت های بزرگ..... ۹۸
۲-۱-۳)جناح بندیهای درون سازمان..... ۹۹
۲-۱-۴) ضعف ساختاری و بودجه ای سازمان..... ۹۹
بخش سوم..... ۱۰۰
۳-۱) راهکارهای جمهوری اسلامی ایران برای تقویت کارآمدی سازمان کنفرانس اسلامی..... ۱۰۰
۳-۱-۱) راهکارهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۰۰
۳-۱-۲) اقدامات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران..... ۱۰۲
۳-۱-۲-۱)اتحاد، نعمت الهی برای بشریت..... ۱۰۲
۳-۱-۳) راهکارهای اقتصادی..... ۱۰۴
۳-۱-۳-۱) حوزه های همکاری وهمگرائی اقتصادی باکشورهای عضوسازمان کنفرانس اسلامی..... ۱۰۵
۳-۱-۳-۱-۱)بازار مشترک اسلامی خاورمیانه..... ۱۰۵
۳-۱-۳-۱-۲)الف. زمینه ها..... ۱۰۵
۳-۱-۳-۱-۳) مراحل تشکیل بازار مشترک اسلامی در خاورمیانه..... ۱۰۵
۳-۱-۳-۱-۴) مزایای ایجاد بازار مشترک اسلامی در خاورمیانه..... ۱۰۶
۳-۱-۳-۵)رابطه ی اقتصاد و امنیت..... ۱۰۶
تحلیل داده ها..... ۱۰۸

جمع بندی.....۱۰۹
تتمه ، تغییرنام سازمان کنفرانس اسلامی.....۱۱۲
منابع فارسی.....۱۱۴
منابع خارجی.....۱۱۸
چکیده انگلیسی.....۱۱۹

چکیده:

عنوان: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی

دراین پایان‌نامه به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی وجایگاه سازمان کنفرانس اسلامی درنظام بین الملل ونیزدربین کشورهای اسلامی خصوصا جمهوری اسلامی ایران ومتقابلا جایگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درسازمان کنفرانس اسلامی وسپس نظام بین الملل می پردازیم. درعصرحاضرکه دهه دوم قرن بیست ویکم است سازمان کنفرانس اسلامی دارای پتانسیل های مختلفی درجهان اسلام ونظام بین الملل است وجمهوری اسلامی نیز دارای ظرفیت های فوق العاده ای درسطح منطقه وجهان اسلام ونظام بین الملل است. باتوجه به این مهم، سوال اصلی دراین تحقیق اینست که: آیا سازمان کنفرانس اسلامی بااین شرایط جهانی که امروزدردنیا حاکم است توانسته درجایگاه واقعی خودقرارگیردونقش اصلی خودراایفانماید؟وآیادرمناسبات قدرت درجامعه بین المللی جایگاه تاثیرگزاری داشته است یاخیر؟ وآیاایران درسیاست خارجی خودتوانسته جایگاه خودرادرسازمان کنفرانس اسلامی بدست آورد ودرمناسبات قدرت منطقه ای وبین المللی تاثیرگزارباشد؟ وجه تعامل این دو درچه زمینه هایی بوده است؟ واساسا درچه زمینه های توفیق داشته ودرچه مواردی باچالش مواجه بوده است؟ به نظرمی رسدکه فعالیت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران درسازمان کنفرانس اسلامی دردوران پس ازانقلاب ودرسه برهه حساس آن یعنی دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران ودوران هشت سال دفاع مقدس ونیزدوران پس ازجنگ تحمیلی یعنی ازدوران سازندگی تاکنون، ازدیگرفعالیت ها وپیمان های منطقه ای وبین المللی بهتروقوی تر وچشمگیرتر بوده است. مخصوصادرمرحله ای ازتاریخ سیاسی کشورایران که تلاش فراوانی گردیدتاسیاست تنش زدائی وبرطرف کردن سوء تفاهمات موجودباکشورهای منطقه حوزه خلیج فارس واعراب وجهان اسلام رااجرانماید. فضای اطمینان وهمکاری که دراین دوران باارزش ایجادنموده است خودباعث شده زمینه موفقیت درمسائل دیگرنیزفراهم گردد. نتیجه اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می تواندرتقویت این سازمان گامهای موثری بردارد. از جمله سیاست های راهبردی که می توان در راستای انسجام و اتحاد هرچه بیشتر میان جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی وبه تبع آن کشورهای اسلامی انجام داد: ایجاد بازار مشترک اسلامی، ایجاد مراکز تلوزیونی و رسانه ای مشترک، ایجاد مراکز دانشگاهی و علمی مشترک وتبادل فناوری میان کشور های اسلامی وغیره می باشد. دراین تحقیق بااستفاده ازشیوه مطالعات کتابخانه ای-توصیفی وتحقیق ازنوع علی، درپی جواب سئوالات مطرح شده خواهیم بود.

تعامل سازمان کنفرانس اسلامی با جمهوری اسلامی ایران ومتقابلا رابطه وهمکاری جمهوری اسلامی ایران باسازمان کنفرانس اسلامی وسیاست خارجی این کشورموردبررسی وتحلیل قرارمی گیرد.

واژگان کلیدی: سازمان کنفرانس اسلامی- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - نظام بین الملل- جامعه جهانی- جهان اسلام – سازمان– مناسبات قدرت – دیپلماتیک – انقلاب اسلامی – تنش زدائی – خلیج فارس

A B S T R A C T

Title: Iran's foreign policy and the OIC

This thesis examines the foreign policy of Islamic Republic of Iran and the Position OIC in the international system and also in Islamic countries, especially between the Islamic Republic of Iran and the Islamic Republic's foreign policy in the OIC and the international system will. Today is the first decade of the twenty-first century has the potential for the OIC and the Islamic world in the international system and the Islamic Republic also has tremendous potential in the region and the Islamic world and the international system. Due to this important question in this research is: The world today in terms of whether the OIC is the world's dominant position could be real and its primary role to play? And the power relations in the international community has had the influence or not? And Iran's foreign policy has achieved its status in the OIC and in regional and international relations power is effective? This two-way interaction in the areas? In what areas of life, and finally had success and what challenges are facing? It seems that Iran's diplomatic activities in the OIC during the Revolution and at the critical stage during the Islamic Revolution in Iran and during eight years of war and also during the reconstruction period after the war so far, other activities and regional and international treaties have been better and stronger and more significant. Especially in the political history of our country, that effort was tension between politics and resolve misunderstandings in the Persian Gulf region and Arab and Muslim world can run. Atmosphere of trust and cooperation that has developed in this period with the value has led to their success on other issues is also provided. As a result, Iran's foreign policy could take effective steps to strengthen the organization. Including strategic policies that can promote more solidarity among the Islamic Republic of Iran and therefore the OIC and the Islamic countries to do: Islamic Common Market, created a media and broadcast centers, establish a joint academic and scientific centers and exchange of technology between countries and this is like. In this way of using the library - and a description of the type of scientific research, the search will answer questions. Interaction with the OIC and the Islamic Republic of Iran and mutually cooperative relationship with the OIC and the Islamic Republic of Iran and foreign policy will be reviewed and analyzed.

Key words: Organization Islamic Conference - Iran's foreign policy– the international system - the international community - the Muslim world - the - relations of power - diplomatic - Islamic Revolution - Relaxation - Persian Gulf

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱)مقدمه

بی شک جمهوری اسلامی ایران در حرکت بیداری مسلمانان جهان اسلام نقش فعال وموثری داشته است حرکت بیداری مسلمانان که در تاریخ معاصر از سوی شخصیت هایی چون سیدجمال الدین اسدآبادی آغاز شد، به مرور توسعه یافت و دگرگونی هائی را در جهان اسلام به وجودآورد. اما دگرگونی تعیین کننده وسرنوشت ساز در این جریان، انقلاب اسلامی ایران بود که توانست روح آزادی وعزت و شجاعت را در ملت های مظلوم جهان زنده کند و آگاهی آنان را نسبت به سیاست قدرت های سلطه گرمنطقه وفرامنطقه افزایش دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی جریان ها ونهضت های مختلفی در جاهای مختلف از جمله لبنان، فلسطین و سودان، الجزایر، واخیرا در مصر، لیبی، تونس، بحرین، یمن واردن به وجود آمد و از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفتند. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تقریبا همه کشورهای اسلامی یک حالت تدافعی داشتند. ابرقدرت های شرق و غرب در حال مبارزه با جهان اسلام ونیز اسلام ستیزی بودند. انقلاب اسلامی ایران با طرح تئوری ها والگوهائی نظیر نوع حکومت اسلامی، ولایت فقیه، مردمسالاری دینی و ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب، جهان اسلام را از این حالت منفعلانه خارج کرد. همچنین انقلاب اسلامی ایران موج جدیدی از بیداری اسلامی درمیان ملل اسلامی بوجودآورد. درقرن بیستم، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وسقوط نظام شاهنشاهی، حادثه بسیارمهم و تاریخی وحیرت انگیزی برای جهان بود وتوانست در رابطه با مسایل سیاسی جهان و منطقه نقش تعیین کننده ای داشته باشدو تحولات غیر قابل پیش بینی ایجادنماید. اصولا در هر نظام سیاسی، فرایند سیاست از توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری ساختارهای درونی نظام شکل می‌گیرد. به این معنی که نقش حکومت و ساختارهای سیاسی در ارتباط مستقیم با یکدیگرند و شکل‌گیری سیاست خارجی در درون نظام براساس منافع ملی و خواسته‌های ساختار داخلی نظام صورت می‌پذیرد. سیاست خارجی ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تغییرات قابل توجه و مشهودی همراه بوده است. این امر مبتنی بر قواعد رفتار سیاسی و دگرگونی دائمی در محیط ساختاری است.

ایران اسلامی با اتخاذ سیاست خارجی قوی توانست ازیک طرف معادلات سیاسی نظام سلطه را درسطح منطقه وفرامنطقه تغییر دهد و از سوی دیگر روح مبارزه بااستکبار ونیزاستکبارستیزی را در اقصی نقاط جهان زنده نماید. اتخاذ سیاست خارجی توانمند به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، نقطه عطفی در ماهیت اسلام در قالب کشورهای اسلامی محسوب می گردد، چون منهای حکومتی که قادرنباشد قوانین شریعت را در جامعه پیاده کند دینی ورای دین مسیحیت نخواهد بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو نوع نگاهی که رهبران انقلابی ایران نسبت به سازمان‌های بین‌المللی داشتند ـ که آنها را ابزار سلطه ابرقدرت‌ها می‌دانستند و از آنها انتظار اقدامی به نفع ملل ضعیف نداشتند ـ نگاه به سازمان کنفرانس اسلامی هم به گونه‌ای بود که آن را سازمان ارتجاعی می‌دانستند که سران دولت‌های غیرمشروع عربی به عنوان عاملان آمریکا، در آن اکثریت دارند و لذا انتظار هیچ کمکی از این سازمان نداشت. البته اگر چه عده‌ای اساساً از ابتدا با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که زاییده آنهاست کاری نداشتند و مخاطب اصلی انقلاب را صرفاً مردم دیگر کشورها می‌دانستند، ولی با توجه به این‌که دولت موقت چند ماهی بر سر کار بود و بر کارکرد و ساز و کارهای بین‌المللی صحه می‌گذاشت، لذا روابط ایران با سازمان کنفرانس اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی در چهارچوب رسمی ادامه داشت.

در واقع ایرانِ انقلابی، امیدی برای تفاهم با دولت‌های اسلامی نداشت و آنها را کشورهای وابسته‌ای می‌دانست، ولی سازمان را تریبون مناسبی فرض می‌کرد که نظرات و دیدگاه‌های خود را در آن ابراز می‌کند. دولت‌های اسلامی که از ماهیت انقلاب اسلامی به شدت هراسان شده بودند، اگر چه تلاش‌هایی برای جلب نظر رهبران انقلابی ایران از طریق تصویب قطع‌نامه‌هایی با عنوان فشارهای خارجی علیه جمهوری اسلامی از سوی آمریکا و "تجاوز آمریکا به جمهوری اسلامی (ماجرای طبس)" به عمل آوردند، ولی ایران همچنان بر مواضع انقلابی و آرمانی خود تأکید می‌ورزید. در واقع حمایت اعضای سازمان از ایران انقلابی به دلیل منزلت و جایگاه ویژه‌ای که انقلاب اسلامی در میان ملل منطقه به وجود آورده بود حکایت می‌کرد. به طوری که ایران در مقطع زمانی قبل از جنگ، تحرک دیپلماتیک خود را در سازمان کنفرانس اسلامی عمدتاً معطوف به رساندن پیام انقلاب به گوش

ملت‌های مسلمان، وحدت جهان اسلام و مبارزه همه جانبه با اسرائیل کرده بود و بی‌علاقه گی ایران نسبت به تداوم حضور در این سازمان به حدی بود که در کنفرانس عمان تهدید کرد که در صورت نارسایی و ضعف قطعنامه‌ها، در خصوص موارد فوق به ویژه قطع کامل رابطه کشورهای اسلامی با اسرائیل، از این سازمان خارج خواهد شد. بلافاصله بعد از شروع جنگ در سال **۱۳۵۹**، سازمان کنفرانس اسلامی جلسه فوق‌العاده از وزرای خارجه کشورهای عضو در نیویورک تشکیل داد و هیئتی را برای میانجی‌گری بین دو کشور به منطقه اعزام نمود. (الوانی ،۱۳۷۶: ۸۸) سازمان کنفرانس اسلامی تلاش فراوانی را برای رفع اختلافات بین دو کشور (ایران و عراق) انجام داد، ولی حتی نتوانست دو کشور را به پای میز مذاکره مستقیم بکشاند. روند حمایت‌گونه و یا برخورد ملاحظه‌کارانه سازمان با مسئله تجاوز و عدم توجه به تعیین مرزهای بین‌المللی بین ایران و عراق و حمایت صریح برخی از اعضای قدرتمند سازمان از عراق و بی‌توجهی نسبت به نقض مقررات بین‌المللی زمان جنگ توسط عراق، باعث بدبینی عمیق و حتی ناامیدی ایران از سازمان گردید.

به طور کلی در این دوره، هدف عمده ایران، جلب حمایت سیاسی کشورهای اسلامی از مواضع ایران در ارتباط با جنگ استوار بود و ایران در ابتدای جنگ، خواهان اعمال فشار سیاسی کشورهای اسلامی بر عراق جهت خروج از خاک خود بود و بعد از آن بر لزوم محاکمه و تنبیه متجاوز و محکوم کردن نقض قوانین انسانی، اسلامی و بین‌المللی توسط عراق در جنگ تأکید می‌کرد و تلاش می‌نمود تا از تصویب قطعنامه به نفع عراق و به ضرر ایران جلوگیری کند. اما به دلیل قدرت اعراب محافظه‌کار در داخل کنفرانس و روحیه قومیت‌گرایی و ترس از انقلاب ایران و حمایت بسیاری از کشورهای ثروتمند فعال این سازمان از عراق، و هم‌چنین جو جهانی و افزایش نفوذ آمریکا در منطقه، این اهداف نتوانست موفقیتی را با خود به همراه داشته باشد. عدم حضور ایران در بسیاری از اجلاس‌ها نیز مزید بر این عدم موفقیت بود. بنابراین میتوان دوره زمانی از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی را "دوره چالش" در روابط ایران با این سازمان نام نهاد، زیرا پیروزی انقلاب، اعضای با نفوذ سازمان را که عمدتاً دولت‌های محافظه‌کار عرب بودند با چالش مواجه کرد . (آلادپوش وهمکاران،۱۳۸۶: ۶۵)هم‌چنین وقوع جنگ میان عراق و ایران و ناتوانی سازمان در ایجاد راه حل مؤثر در حل و فصل آن، سازمان را در برابر چالش دیگری قرار داد. بااین توضیح، در این تحقیق به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی بعنوان دومین سازمان بزرگ جهان در نظام بین الملل ونیز جایگاه ایران در سازمان کنفرانس اسلامی،اهداف منافع وسیاستهای پیش روی آن پرداخته شده است.

۱-۲)بیان مسئله

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک نهاد بین المللی اسلامی که دارا ی اعتباری جهانی است امروزه به عنوان بزرگترین جامعه کشورهای مسلمان در جهان قلمداد می شود. در زمانی که جهان اسلام آماج تهمت‌ها و افتراهایی همچون تروریسم قرار گرفته است و غرب، کشورهای اسلامی را یکی پس ازدیگری مورد حملات بی امان نظامی و فرهنگی قرار داده و کشور هایی همچون عراق، افغانستان، لیبی، بحرین، یمن وبسیاری از کشورهای اسلامی در آتش کینه و عداوت جهان‌خواران درحال سوختن است وجود نیرو یا سازمانی فرا ملی که هدف آن اتحاد امت اسلام باشد لازم و ضروری است.

سازمان کنفرانس اسلامی درطول فعالیت خوددارای فراز ونشیب های گوناگون بوده است وباعزم بیشتراعضای آن میتوان روح تازه ای به ساختارآن دمید. بااین توصیف، این پژوهش درصددآنست که انتخاب ورهیافت ورویکردنظری سیاست خارجی ایران درقبال سازمان کنفرانس اسلامی راموردبررسی وتحلیل قراردهد. همچنین به بررسی جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی درجهان اسلام بپردازد.

۱-۳)سوال تحقیق

سوال اصلی تحقیق حاضر اینست که: **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه تاثیری درروند پیشرفت آن درمناسبات قدرت داشته است؟** ضمن اینکه، آیاسازمان کنفرانس اسلامی درمناسبات قدرت درنظام بین المللی جایگاه مهمی داشته است یاخیر؟ آیادرعصرحاضر سازمان کنفرانس اسلامی باتوجه به پتانسیل‌های موجوددرجهان اسلام که وجوداردونیز شرایط جهانی که امروزه حاکم است توانسته نقش وجایگاه واقعی خودرابدست آورد؟

۱-٤)فرضیه تحقیق

فرضیه موردبحث وبررسی اینست که درحال حاضرکه بیش از دودهه ازفروپاشی کمونیزم میگذردوجهان بایک‌جانبه گرائی آمریکاروبروشده است، هنوز سازمان کنفرانس اسلامی علیرغم موفقیت های اندکی که داشته تاکنون نتوانسته است بازیگری موثری رادرجهان اسلام وروابط بین الملل داشته باشد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می تواندرتقویت این سازمان گامهای موثری بردارد. از جمله سیاست های راهبردی که می توان در راستای انسجام و اتحاد هرچه بیشتر میان جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی وبه تبع آن کشورهای اسلامی انجام داد: ایجاد بازار مشترک اسلامی، ایجاد مراکز تلوزیونی و رسانه ای مشترک، ایجاد مراکز دانشگاهی و علمی مشترک وتبادل فناوری میان کشور های اسلامی، و گسترش راه های ارتباطی و مواصلاتی میان کشورهای اسلامی و از همه مهم‌تر دولت‌های اسلامی به جا ی اینکه در صدد با شند تا روابط خود را بر اساس الگوی روابط نابرابر با غرب بر قرار کنند، با ملت‌های خود به ارتباط نزدیکی بیشتری برقرار کنند.

۱-۵)اهداف تحقیق

هدف ازاجرای این پروژه، راههای دستیابی به چگونگی ارتقای سازمان کنفرانس اسلامی درمناسبات قدرت درنظام بین المللی و همچنین تلاش درراه تقویت همکاری کشورهای عضو وگام برداشتن درجهت خدمت به مسلمانان است. درعین حالیکه به تبیین وتحلیل جایگاه سیاست خارجی ایران نیزدراین مورد پرداخته شود.

۱-٦)ضرورت واهمیت تحقیق

با توجه به اینکه فعالیت دیپلماتیک ایران درسازمان کنفرانس اسلامی ازدیگرپیمان های منطقه ای وبین المللی چشمگیرتراست واوج این مسئله به دوران ریاست ایران برسازمان کنفرانس اسلامی برمی‌گرددکه نقطه عطفی درتاریخ سیاست خارجی کشورمان محسوب می شودو فضای اطمینان وهمکاری که ایجاد شده وزمینه را برای موفقیت‌های دیگرازجمله افزایش بهای نفت رانیزفراهم آورده وتلاش برای ایفای نقش دربحران‌های گوناگون ونیزاقدام برای همبستگی درجهت مقابله بااسرائیل انجام می گیرد، وباتوجه به اینکه اثرات انقلاب اسلامی ایران فراتراز نظام منطقه‌ای درخاورمیانه است. به نظر می رسدکه ضرورت تحقیق وارزیابی توفیق یا عدم توفیق عملکرد کشورهای عضو سازمان بسته به میزان نزدیکی یا دوری سیاست خارجی این کشورها به اهداف اولیه سازمان کنفرانس اسلامی دارد. و اهمیت این تحقیق دراینست که می توان نگاه جمهوری اسلامی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی را

نسبت به مسائلی چون حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در میان کشورهای اسلامی، توجه به رای و نظر مردم در کشورهای اسلامی، دوری از هرگونه درگیری نظامی در میان کشورهای اسلامی، توجه به طرحهای مکارانه دشمنان اصلی کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی به عنوان رژیمی اشغالگر، عدم ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم فلسطین و لبنان، به هم نزدیک کرد که درنهایت می تواند تاثیر به سزائی درپیشبرد اهداف وروابط سیاست خارجی جمهوری اسلامی وسازمان کنفرانس اسلامی داشته باشد.

۱-۷)چارچوب نظری تحقیق

دراین تحقیق تلاش نگارنده براینست که به دیدگاه صاحب نظران واندیشمندان روابط بین الملل وگروه علوم سیاسی درخصوص موضوعات مختلفی چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران درابعادگوناگون وسازمان کنفرانس اسلامی ونهادهای وابسته به آن ونیزروابط متقابل بین این دو، وهمچنین تاثیرات متقابل ایران وسازمان کنفرانس اسلامی پرداخته شود.

۱-۸)روش تحقیق

دراین پژوهش بااستفاده از شیوه مطا لعات کتابخانه ای وتلفیقی از تحقیقات تاریخی وتوصیفی وتحقیق از نوع علی (پس رویدادی) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی وتعامل وهمکاری بین ایندو، موردبررسی وتحلیل قرارگرفته است که درقسمت اول ازروش تاریخی ودرقسمت‌های بعدی ازروشهای توصیفی وتحقیق از نوع علی(پس رویدادی) استفاده شده است.

۱-۹) ادبیات تحقیق

در این قسمت قصد براینست که به چندمورد ازپژوهش‌های انجام شده در مورد موضوع پایان نامه اشاره گردد:

کتاب **سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)**، اثر یحیی فوزی تویسرکانی است که نویسنده دراین کتاب به بررسی روابط ایران اسلامی با جهان اسلام که همواره یکی از مسائل مورد توجه برای محافل سیاسی، علمی و فرهنگی بوده است پرداخته است. سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان مهمترین مجمع کشورهای اسلامی می تواند شاخصی خوب برای این روابط و فراز و نشیبهای آن باشد. در این کتاب تلاش شده ضمن توصیف ساختار و عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی، به تحلیل عوامل مؤثر در تصمیم گیری‌های درونی سازمان از جمله ائتلاف ها، اتحادها و عوامل مؤثر در تفرقه و وحدت درونی سازمان، بافت ناهمگون قدرت در درون سازمان و همچنین نقش کشورهای عربی ثروتمند در تأمین مالی و هدایت سازمان، بپردازد و در نهایت تحلیل مناسبی از عملکرد سازمان در جهان اسلام ارائه دهد.

دیگرکتاب ، **بررسی اهداف و عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی**، اثر محمدحسین اسدی که شامل این موارد است: پیشینه تاریخی وحدت مسلمین و لزوم پرداختن به آن از نظر قرآن و افرادی همچون سید جمال الدین اسد آبادی، شیخ محمد عبده و شیخ عبدالرحمن کواکبی در بستر زمان، کنفرانس‌های مکه، قاهره، بیت المقدس، ژنو، جنگ جهانی دوم و نتایج آن و همچنین عصر پس از جنگ، علل و عوامل تاسیس سازمان کنفرانس اسلامی و جایگاه این سازمان در تصمیمات سازمان‌های بین المللی، ساختار سازمان کنفرانس اسلامی، اعضا و ارکان آن از قبیل دبیرخانه، کنفرانس وزرای خارجه، دادگاه بین المللی عدل اسلامی و

همچنین ارگان‌های اصلی و فرعی آن و تشکیلات مربوط به هر کدام، اهداف سازمان از قبیل تفاهم و همکاری بین المللی، صلح و امنیت، ترویج همبستگی، مبارزه با نژاد پرستی، حمایت از مسلمانان، اصول منشور سازمان کنفرانس اسلامی، اصل حاکمیت، اصل حل وفصل مسالمت‌آمیز منازعات و ... عملکرد سازمان کنفرانس اسلامی از ابتدا تا زمان حاضر، عملکردهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ...

کتاب دیگر، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی،** به قلم سعید یعقوبی از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. این کتاب به جهت‌گیری‌ها و رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی (۱۳۶۸ ـ ۱۳۷۶) می پردازد و تأثیر آن درسطح روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با جهان را بررسی می‌کند.

دیگرکتاب، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،** اثر جلال دهقانی فیروزآبادی، به تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می پردازد. هدف این کتاب توصیف و تبیین علمی و روشمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی به صورت یک متن آموزشی است. رویکردهای نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول، منافع، اهداف و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از دولت موقت تا بیانیه الجزایر، دوران دفاع مقدس، دوران سازندگی، دوران اصلاحات، برخی مباحث و موضوعات طرح شده در این کتاب هستند.

هر چند تحقیقات بسیار زیاد و گسترده ای در خصوص سازمان کنفرانس اسلامی وسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است لیکن کمترمشاهده شده که به تحقیق درمورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وسازمان کنفرانس اسلامی وارتباط بین این دو وتاثیرآنان بریکدیگر ونیزتعامل بین آنان پرداخته شده باشد.

۱-۱۰)محدودیت‌های تحقیق

درتحقیق وپژوهش حاضر، محدودیت‌هائی که محقق باآن موا جه است عبارتنداز: محدودبودن منابع کتابخانه‌ای واطلاعات لازم ، عدم تخصیص بودجه برای انجام کارهای تحقیقاتی وپژوهشی، وعدم حمایت وپشتیبانی ازسوی نهادها وسازمان‌های مرتبط وهمچنین محدودبودن زمان کافی برای ارائه یک پژوهش جامع.

۱-۱۱)قلمروزمانی ومکانی تحقیق

محدوده مورد مطالعه این پژوهش، جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی درمناسبات قدرت درنظام بین الملل، بویژه درمیان کشورهای اسلامی عضواین سازمان ونیزسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعنوان یکی ازموثرترین اعضا آن سازمان اززمان تاسیس آن تا دولت دهم می باشد.

۱-۱۲)سازماندهی پژوهش

تحقیق حاضر درپنج فصل تهیه وتنظیم وارائه می گرددکه عبارتنداز: فصل اول: کلیات: شامل کلیات تحقیق می باشد. فصل دوم: تاریخچه سازمان کنفرانس اسلامی: نگاهی به چگونگی تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی دارد و به بررسی زمینه های زیر، در شکل گیری سازمان اشاره می کند. ۱ـ زمینه‌های فرهنگی- تاریخی ۲ـ زمینه‌های تاریخی ـ سیاسی . فصل سوم: مشخصات ساختاری سازمان کنفرانس اسلامی: در این فصل نیز مواردی در جهت تبین و معرفی ساختارسازمان بیان می شود. اعضاء سازمان کنفرانس اسلامی، ساختارسازمان کنفرانس اسلامی، اهداف سازمان، از مهمترین موضوعات این بحث است. فصل چهارم : سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سازمان کنفرانس اسلامی: ایران و سازمان کنفرانس اسلامی در روابط خود فراز و نشیب های زیادی دارند که در دوره های مختلف به آن اشاره گردیده است. فصل پنجم: نقدی بر عملکرد سازمان «کنفرانس اسلامی»، علل ناکارآمدی سازمان کنفرانس اسلامی نیز در فصل نهایی، تحلیل داده ها، مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱۳)مفاهیم و واژه‌های تحقیق

۱-۱۳-۱)تعریف سیاست (Policy)

سیاست، (از واژه یونانی πολιτικός، «مربوط به پیوند شهروندی») به معنای دانشی است که از شهر (مدینه) و مناسبات شهروندی (مدنی) بحث می‌کند. (طباطبایی ، ۱۳۷۸: ۱۴) هم‌چنین سیاست، به روندی گفته می‌شود که در آن شهروندان به اتخاذ یک تصمیم جمعی مبادرت می‌ورزند. به تعریف دیگر، سیاست فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گراییِ عقیده‌ها و منافع، ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاریِ زور - که اغلب بر حقوق متکی است - امنیت بیرونی و تفاهم درونیِ واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند. (احمدی ،۱۳۸۴: ۱۶)

۱-۱۳-۲)مفهوم سیاست خارجی(Foreign policy)

سیاست دولت‌ها اصولاً یا به امور داخلی مربوط می شود یا به امور بین المللی، اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می رود. در خصوص سیاست خارجی به تعریف‌های زیادی بر می خوریم، بدون این که این تعریف‌ها، تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه ی آن‌ها به یک مفهوم اشاره دارند. امّا از میان آن‌ها تعریف زیر کامل‌تر و روشن‌تر به نظر می رسد:

« سیاست خارجی » عبارت است از: خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتّخاذ می کند. (منصوری ،۱۳۷۵: ۱۲۳)

۱-۱۳-۳)دیپلماسی(Diplomacy)

این واژه دارای ریشه‌ی یونانی بوده و از کلمه‌ی «دیپلم» (Diploma)گرفته شده که به معنای «تا کردن» است. کلمه‌ی «دیپلما» (Diplomatic)نیز از واژه «دیپلم» مشتق شده که به نوشته تاشده یا طومار مانندی اطلاق می گردید که به افراد خاصی اعطا می شد و دارنده آن از امتیازات ویژه ای برخوردارمی گردید. (آلادپوش وهمکاران،۱۳۸۶: ۶)

با گذشت زمان، این واژه به سندی اطلاق شد که به فرستادگان دولت ها داده می شد. و امروزه واژه «دیپلمات» به افراد مجرّب و با مهارتی اطلاق می شود که حرفه‌ی آن‌ها «دیپلماسی» است. دیپلماسی از دوران قدیم میان دولت‌ها رایج بوده و امروزه نیز حکومت ها در تلاش برای تحصیل هدف‌ها و دفاع از منافع شان، از این ابزار استفاده می کنند. بعضی از محقّقین روابط بین الملل، بیش از ۴۶ تعریف برای دیپلماسی جمع‌آوری کرده اند،که هر یک از آن‌ها جنبه‌ای از دیپلماسی را نمایان می سازد. اگر بخواهیم تعریفی کوتاه، در عین حال گویا از دیپلماسی ارایه دهیم، چنین باید بگوییم :

« دیپلماسی، عبارت است از فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین المللی و نیز حل و فصل اختلافات بین المللی از طرق مسالمت آمیز». (قوام ،۱۳۷۹ : ۸۵)

گر چه دیپلماسی به عنوان یکی از ابزارهای اجرای سیاست خارجی محسوب می شود، ولی در فرایند استفاده از حربه‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیز کاربرد مؤثری دارد. (همان)

۱-۱۳-۴)نظام بین الملل (International System)

نظام بین الملل، محیطی است که در آن، واحدهای سیاست‌بین الملل عمل می‌کنند، به طوری که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌المللی تاثیر می‌پذیرد. ریمون آرون در تعریف بین الملل می‌گوید: « من نظام بین المللی‌را مجموعه‌ای مرکب از واحدهای سیاسی می‌دانم که بایکدیگر روابطی منظم دارند وهر یک از آنها این آسیب پذیری را دارند که درگیر یک جنگ همگانی شوند.»(همان)ولی‌آرون مانند اغلب پژوهش‌گرانی که به تعریف نظام بین الملل پرداخته‌اند، نظیر کاپلان، روزکرانس، برای قدرت‌های بزرگ در ساختار نظام بین المللی نقش و جایگاه ویژه‌ای‌قایل است.

در هر دوره‌ای، بازیگران اصلی بیش از آنچه از نظام اثر پذیرند، در تعیین آن نقش‌داشته‌اند. کافی است تغییری در رژیم داخلی یکی از بازیگران اصلی حاصل شود تا مدل‌و گاه کل جریان روابط بین الملل نیز به تبع آن تغییر یابد. رابطه نیروها با توزیع قدرت، شمای کلی نظام بین المللی را ترمیم می‌کند. بر این اساس می‌توان تقسیم بندی‌هایی نظیر: تک قطبی، دو قطبی، چند قطبی و... از نظام بین الملل به دست داد. (همان)

۱-۱۳-۵)امنیت ملی(National Security)

برداشت یکسانی از مفهوم امنیت ملی و شرایط و لوازم آن، نیست. دولت‌ها برحسب‌مقام و موقعیتی که در عرصه مناسبات بین المللی دارند و نیز بر اساس مبانی ارزشی خود، تصورات و تلقی‌های متفاوتی از مفهوم امنیت دارند. از طرفی می‌توان گفت که دامنه‌امنیت‌یک کشور، با قدرت آن کشور ارتباط مستقیم داشته و قدرت کشورها نیز متفاوت‌است. هرچند اکثر متخصصین علم سیاست بر این اعتقادند که تفاوتی آشکار میان‌دولت‌ها در عرصه‌ی سیاست بین الملل از نظر ماهیت، اندازه و نفوذ آنها وجوددارد. امادر مورد چگونگی دسته بندی آنها نیز اختلافات قابل توجهی به چشم می‌خورد. وجوه تفاوت در ماهیت دولت در دو فضای جهان سوم و جهان پیشرفته، در مسائل، نیازها، سیاست‌ها و اولویت‌های امنیتی آنها انعکاس یافته است. معمولا ایده امنیت ملی‌بر دو فرضیه استوار است که عمدتا از تحول تاریخی نظام حکومتی اروپای مدرن ناشی‌می‌شود. اولا همان‌گونه که در مدل توپ بیلیاردی سنت«رئالیستی»مشهور است. دولت/ملت، عاملی وحدت بخش است که در قالب آن، امنیت ملی به طور خودکار باامنیت‌حکومت، مساوی می‌شود. ثانیا همان گونه که در سنت‌سیاسی پلورالیستی غرب‌مفروض است، امنیت‌یک دولت/ملت، سرجمع امنیت‌های افرادی هم سنخ است. از این‌رو امنیت ملی در غرب، امنیت آن دولت ملی است که از تک تک شهروندان تشکیل‌می‌شود که از

طریق بسط دولت‌سازی و جامعه پذیری سیاسی دارای سرنوشت مشترکی‌هستند. (آزر چونگ این مون ،۱۳۷۹: ۳۶)در اکثر کشورهای جهان سوم، رابطه میان حکومت و ملت دارای شکلی‌بی‌تناسب است و هنوز در جریان شکل‌گیری است. در جهان سوم، بسیار کم هستندکشورهایی که فرآیند ملت‌سازی را در چارچوب هویت‌سیاسی و اقلیمی واحدی به‌اتمام رسانده باشند. برخی هنوز دولت/ملت‌هائی هستند متشکل از مجموعه‌ای ازملیت‌ها. شاید این استدلال دقیق‌تر باشد که امنیت ملی برابر است‌با امنیت جمعی، وامنیت‌حکومت، برابر است‌با امنیت رژیم حاکم که نماینده بخشی از علایق اجتماعی یاجمعی است. بسیاری از حکومت‌های جهان سوم، هیات حاکمه‌های سیاسی شکننده‌ای‌دارند و این حقیقت، مشکلات جدی‌ای را در تشخیص این که مفهومی مانند امنیت ملی‌شامل چه کسانی می‌شود، به وجود می‌آورند. خطر استفاده از عنوان امنیت ملی برای‌دولت هایی که به لحاظ سیاسی ضعیف‌اند، این است که این مساله به راحتی، به استفاده‌آنان از زور در امور سیاسی داخلی مشروعیت می‌بخشد.

۱-۱۳-۶)جهان اسلام

جهان اسلام، اصطلاحاً به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که اکثریت جمعیت آن پیرو دین اسلام باشند. پیروان اسلام در جهان بیش از یک میلیارد و سیصدمیلیون نفر تخمین زده می‌شوند. جهان اسلام از نظر جغرافیایی دربرگیرنده مناطق زیر است:

الف)خاورمیانه شامل کشورهای:

اردن، امارات متحده‌ی عربی، ایران، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، یمن و فلسطین (که دربرگیرنده‌ی کرانه‌ی باختری رود اردن و نوار غزه است). (قوام ،۱۳۷۹ : ۱۰۵)

ب) آسیای‌میانه و جنوب آسیا شامل کشورهای:

افغانستان، پاکستان، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، بنگلادش، مالدیو و بخش‌هایی از قزاقستان و هندوستان.

ج) آسیای جنوب شرقی شامل کشورهای: اندونزی، مالزی و برونئی.

د) قفقاز، شامل کشورهای جمهوری آذربایجان، چچن و داغستان. (همان)

ه)اروپا، شبه جزیره بالکان شامل کشورهای: بوسنی و هرزگوین، آلبانی، شبه‌جزیره کریمه.

و)شمال‌آفریقاشامل‌کشورهای:مصر، الجزایر، لیبی، تونس، مراکش، موریتانی، جمهوری عربی صحرا.
ز) آفریقای مرکزی و غربی شامل کشورهای: سنگال، گینه، نیجریه، گامبیا، چاد، نیجر، مالی، سودان، بورکینا فاسو، ساحل عاج و سیرالئون .(قوام ،۱۳۷۹ : ۱۰۵)

ح)-شرق آفریقا شامل کشورهای: جیبوتی، سومالی، اریتره، اتیوپی، تانزانیا و جزایر کومور.

۱-۱۳-۷)سازمان(Organization)

سازمان، پدیده‌ای اجتماعی به شمار می آید که به طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتا مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می کند. (الوانی ،۱۳۷۶: ۱۸۹)

۱-۱۳-۸)مراحل تشکیل سازمان

سازمان هنگامی پدید می آید که: افرادی باشند که ۱- هدف مشترکی داشته باشند ۲- بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند۳- مایل باشند که برای نیل به هدف همکاری نمایند. بنابراین هدف یا فعالیتی که تحقق آن خارج از توان فردی و مستلزم همکاری افراد انسانی باشد نیاز به سازمان را به وجود می آورد. سازمان عبارت است از هماهنگی معقول عده‌ای از افراد که برای تحقق هدف مشترکی از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی به طور پیوسته فعالیت می کنند. (همان)

۱-۱۳-۹)سازمان بین المللی(International)

تعریف پذیرفته شده‌ای که مقبولیت جهانی نیز داشته باشد از سازمان بین المللی وجود ندارد. بند ت ماده دو کنواسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات و ماده دو کنواسیون ۱۹۸۷ راجع به جانشینی دولت‌ها در معاهدات، سازمان بین المللی رایک سازمان بین الدول می داند. این تعریف وجهه‌ی همت خود را تشخیص این دسته از سازمانها از سازمانهای غیر دولتی می نماید.دکترین در مجموع موافق تعریفی است که در جریان کارهای تدوین حقوق معاهدات پیشنهاد شده است. مطابق این تعریف، سازمان بین المللی «اجتماعی از دولتهاست که بموجب معاهده تشکیل شده و دارای اساسنامه و ارکان مشترک است و واجد شخصیت حقوقی متمایز از شخصیت دولتهای عضو است». (فوزی توسیرکانی ،۱۳۷۷: ۱۷)

فصل دوم

تاریخچه

سازمان کنفرانس اسلامی

OIC

تاریخچه سازمان کنفرانس اسلامی

بخش اول

چگونگی تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی

بخش دوم

زمینه‌های فرهنگی، تاریخی

بخش سوم

زمینه‌های تاریخی ـ سیاسی